

## چند نکته درباره کتاب تاریخ نخستین فرهنگستان ایران

محمدرضا ایروانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران  
iravani1980@yahoo.com

سال ۱۳۱۴ ش بود. این امر هم یک دفعه و ناگهانی صورت نگرفت، بلکه یک سری فعالیت‌ها و عوامل منجر به شکل‌گیری این نهاد شد.

توجه به این عوامل و بررسی تاریخچه شکل‌گیری و عملکرد این نهاد، برای استفاده از تجارب آن در نهادهای مشابه یا عملکرد کنونی و آینده فرهنگستان تأثیر ژرف و انکارناپذیری خواهد داشت و حتی باید گفت توجه و درسیگیری از تجارب فرهنگستان اول ضرورتی اساسی است که غفلت از آن چه بسا سبب ناکارآمدی و یا کاهش کارایی فرهنگستان کنونی در زمان حال یا آینده گردد. بدین سبب توجه به این امر، کاری بسیار شایسته و تحسین‌برانگیز است که محسن روستایی سعی در انجام این مهم داشته است.

کتاب تاریخ نخستین فرهنگستان ایران یکی از مراجع مهم تاریخی و ادبی درباره فعالیت و واژه‌سازی در سده اخیر است.

محسن روستایی، تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گمشده فرهنگستان (۱۳۱۴-۱۳۲۰ ش)، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.

### مقدمه

زبان فارسی یکی از زبان‌های زنده و دارای پیشینه غنی در جهان امروز است. وجود سه دوره مجزای باستان، میانه و دری در زبان فارسی که آثاری از هر سه دوره در حال حاضر در دست است، آن را بدل به زبان و پدیده‌ای جالب و مهم برای مطالعات زبان‌شناسی و ادبی کرده است. در هیچ دوره‌ای در طول حیات زبان فارسی مانند ۱۵۰ سال اخیر، آگاهانه و ناآگاهانه به اهمیت واژه‌سازی و واژه‌گزینی برای زبان فارسی اشاره نشده و فعالیتی هم صورت نگرفته است.

مهمترین فعالیت‌های واژه‌گزینی در سده اخیر صورت گرفت که مهمترین جلوه بارز آن تأسیس فرهنگستان ایران در

همان گونه که از نام کتاب هویداست، توجه اصلی مؤلف به چگونگی شکل‌گیری، پیشینه و علل و عوامل رونق و افول فرهنگستان اول بوده است. هرچند به فعالیت‌های پس از آن هم نظری دارد و در آن باره نیز به مطالب و نکات دقیقی اشاره می‌کند.

## نگاهی به کتاب

کتاب در دو بخش مجزا، کتاب اول و دوم، و در ده فصل فراهم آمده است: در بخش اول کتاب، بیشتر به جنبه تاریخی و تحلیل پیش‌زمینه‌ها، چگونگی فعالیت‌های علمی-فرهنگی و سازمانی فرهنگستان پرداخته شده و در پنج فصل با عناوین زیر فراهم آمده است: «پیشینه ایجاد فرهنگستان ایران»، «فرهنگستان و رؤسای آن»، «واژه‌های گمشده فرهنگستان اول»، «نصاب واژه‌های نو» و «نگاهی به دو گرایش ناسیونالیستی پیش از فرهنگستان ایران».

در قسمت دوم کتاب، ضمن بیان کلیات و قوانین و واژه‌های مصوب فرهنگستان ایران تا پایان ۱۳۱۹ ش، تمامی واژه‌های مصوب فرهنگستان ایران، با استفاده از اسناد آرشیوی و نسخه بدل‌های معتبر فهرست شده است. این بخش شامل این فصول است: «کلیات و قوانین، اساسنامه، نظامنامه‌ها و آیین‌نامه‌های نخستین فرهنگستان ایران»، «واژه‌های نو که تا پایان سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان پذیرفته شده است»، «ترکیبات عربی»، «واژه‌های پذیرفته شده در فرهنگستان به ترتیب قدیم»، «پیوست‌ها: فهرست موضوعی واژه‌های مصوب فرهنگستان ایران (تا پایان سال ۱۳۱۹ ش)»، «منابع و مآخذ، گزیده اسناد و عکس‌ها، نمایه اشخاص، نمایه مکان‌ها، مؤسسات، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و ...».

نویسنده در ادامه با آوردن اسناد، به ذکر تلاش‌هایی برای احیای فرهنگستان تا اواخر دهه چهل شمسی می‌پردازد. از نکات لازم به ذکر اینکه در این بخش‌ها از فعالیت‌های افراط‌آمیز نظامی در ارتش برای وضع لغات جدید نظامی به هیچ وجه یاد نمی‌کند. دامنه این واژه‌گزینی‌ها آنقدر بازتاب گسترده‌ای دارد که جلال آل احمد نیز با توجه به وضع نامساعد واژه‌سازی آن دوران در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران این گونه زبان به انتقاد می‌گشاید: «مراجعه کنید به مهنامه»

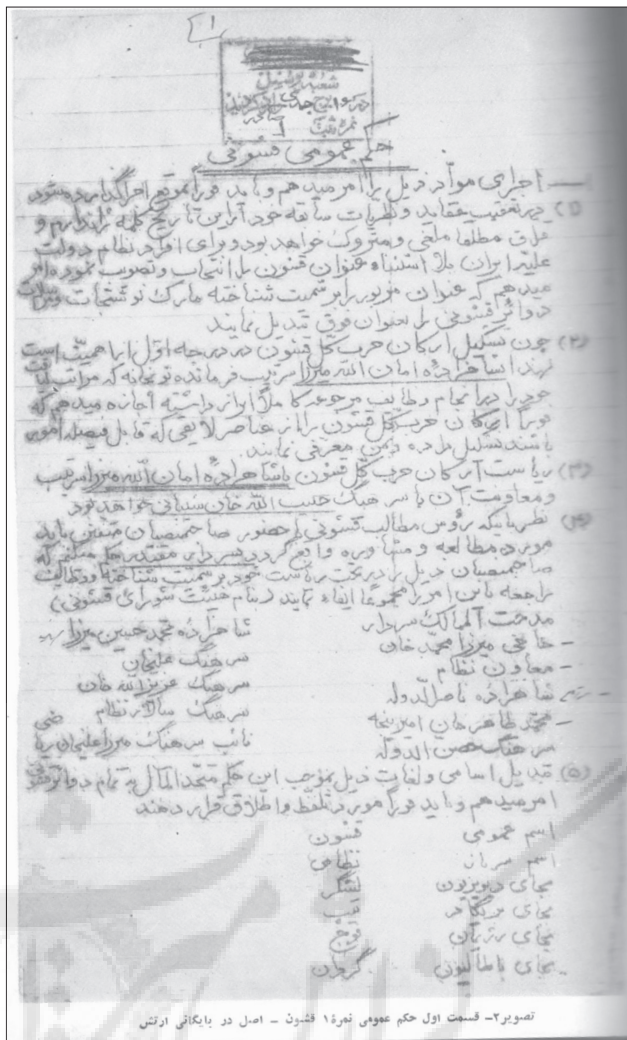
ارتش شاهنشاهی ایران شماره‌های ۵ و ۶ سال ۱۳۴۷ و بنیاد چه زبان من در آورده و تازه‌ای را دارند باب می‌کنند و این فهرست مختصری از آن است که به جای لغات قدیمی لغات تازه‌ای را پیشنهاد می‌کند: سنت بدل شده به تراداد، دفاع بدل شده به پدافند، احتراق بدل شده به سوختاری، تعرض بدل شده به آفند و ...» (آل احمد ۱۳۸۶: ۲۸۴-۲۸۵).

جای خالی اسناد در این قسمت کتاب به روشنی مشهود است.

نویسنده در ذیل عنوان «نقد و نظری بر تاریخ‌نگاری نخستین فرهنگستان ایران»، به ذکر مطالبی مختصر درباره تاریخ‌نگاری و ملزومات و بایسته‌های آن، آگاهی مورخ از هدف و چگونگی کار و مهارت‌هایش درباره‌سندشناسی و ... می‌پردازد. سپس روش کار خود را در زمینه تاریخ‌نگاری و تجاربش بیان می‌کند که باید گفت از منظر روش‌شناسی تاریخی، او لایبش از حد مختصر است و کامل نیست؛ در ثانی نویسنده بدون انسجام و ذکر مورد به مورد مطالب و تشریح دقیق چگونگی کار خود، بلافاصله به بیان نکته مجزای دیگر می‌پردازد. در این زمینه لازم است در بازنگری مجدد، تمام نکات مرتبط با هم و درباره یک موضوع، پشت سر هم بیان شوند، سپس موضوع بعدی بیان شود؛ آن هم با رعایت توالی منطقی کلام. از شیوه‌های تاریخ‌نگاری نوینی که احیاناً استفاده کرده نیز لازم است یاد شود.

در بخش «اسناد: مهم‌ترین ابزار در تاریخ‌نگاری فرهنگستان ایران»، نویسنده به اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری اشاره می‌کند و به ذکر اسناد و منابع و مدارکی که در فراهم آوردن کتاب از آن‌ها استفاده کرده و نیز شیوه استفاده از این اسناد، نسخه‌بدل‌های اسناد و اهمیت و نقش آن‌ها در این کتاب و تدوین آن‌ها اشاره می‌کند. در این زمینه باید گفت نویسنده، با وجود تلاش بسیار، برخی اسناد را ندیده که بعضاً اهمیت شگرفی در این زمینه دارند و در جای خود به آن‌ها اشاره می‌شود.

بخش ارزیابی کلی واژگان فرهنگستان ایران یکی از بخش‌های جالب توجه دیباچه است که علاوه بر ارزیابی عملکرد فرهنگستان اول در زمینه‌های مختلف، به ذکر دلایل موفقیت یا شکست آن نیز می‌پردازد و می‌تواند برای عملکرد فرهنگستان کنونی و سالیان بعد درس و تجربه‌گرانقدری باشد.



تصویر ۲- قشون اول حکم عمومی شماره ۱ قشون - اصل در بایگانی ارتش

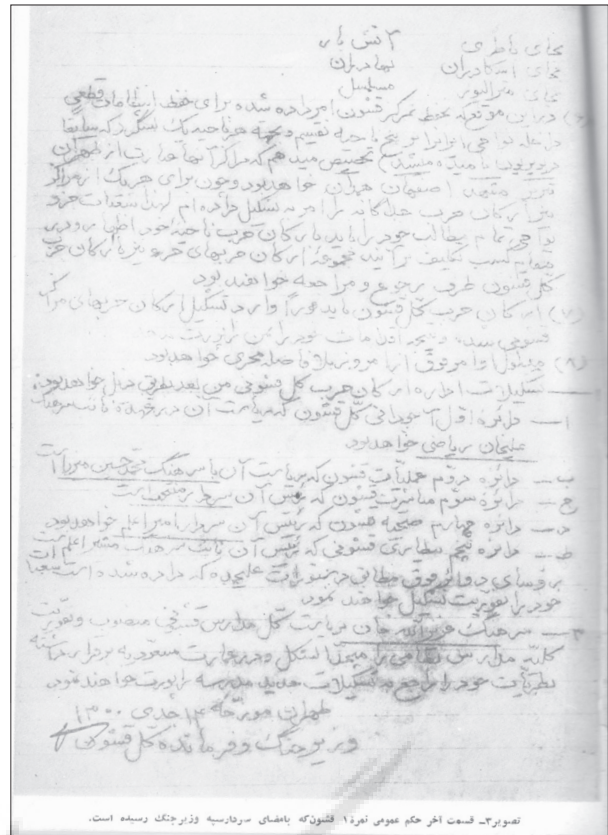
واژه‌سازی وزارت جنگ در سال ۱۳۰۳ ش، زمان پایه‌گذاری ارتش نوین ایران، اشاره می‌کند. سپس توضیحاتی درباره فعالیت آن و چگونگی واژه‌گزینی در آن نهاد ارائه می‌دهد. همان‌طور که اشاره شد، نویسنده سندی بسیار مهم درباره واژه‌سازی، به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۰۰ ش، را نادیده گرفته که از قضا بیشتر برابرنهاده‌های آن امروزه در حوزه اصطلاحات نظامی رایج‌اند و از نخستین تجارب موفق واژه‌گزینی در زبان فارسی محسوب می‌شوند. این سند در کتاب تاریخ ارتش نوین ایران آمده و قسمتی از آن به شرح زیر است:

... به موجب حکم عمومی شماره ۱ مورخه ۱۴ جدی ۱۳۰۰ ش ... ۵. تبدیل اسامی و لغات ذیل را به موجب این حکم متحدالمال به تمام دوایر قشونی امر می‌دهم و باید فوراً مورد تلفظ و اطلاق قرار گیرد: اسم عمومی: قشون؛ اسم سرباز: نظامی؛ به جای دیویزیون: لشکر؛ به جای بریگاد: تیپ؛ به

نویسنده از اولین انجمن واژه‌گزینی در زبان فارسی در عهد مظفرالدین شاه یاد می‌کند و به دلایل عدم موفقیت و اسناد آن هم اشاره می‌شود. در این مورد باید گفت عدم موفقیت این تجربه تاریخی در واژه‌گزینی و دلایل آن، بی‌گمان همچون چراغی فراروی فرهنگستان اول جهت احتراز از این اشتباه‌ها و عدم تکرار آن‌ها گردید و در حقیقت تمرینی برای مهارت واژه‌گزینی رسمی در زبان فارسی محسوب می‌شود.

در صفحه ۸۵ کتاب آمده است: «بنابراین از فروردین ماه ۱۳۱۴ تمامی ادارات و نهادهای دولتی مکلف شدند که به جای تاریخ قمری، تاریخ شمسی را به کار ببرند...» که ظاهراً «۱۳۰۴» درست است.

نویسنده در قسمت فرهنگستان و انجمن‌های پیش از آن، از تأسیس فرهنگستان یاد می‌کند و سپس به تأسیس انجمن



جای رژیمان: فوج، به جای باطلیون: گردان، به جای باطری: آتشبار؛ به جای اسکادران: بهادران؛ به جای مترالیوز: مسلسل... (تاریخ ارتش نوین ایران، ص ۵۹).

گفتنی است که تاریخ امضای این فرمان ۱۴ جدی ۱۳۰۰ شمسی است اما ابوالقاسمی (۱۳۸۶: ۲۹۸) و یغمایی (۱۳۵۵: ۶۴) تاریخ آن را ۱۶ جدی ۱۳۰۰ ذکر کرده‌اند.

در ادامه، نویسنده به اسناد و اطلاعاتی درباره اقدامات و اندیشه‌های واژه‌گزینی بین سال‌های ۱۳۰۳ش تا ۱۳۱۴ش اشاره می‌کند و از پیشنهاد ایجاد انجمن اصطلاحات در ۱۳۰۵ش، حجره واژه‌گزین فروزانفر در ۱۳۰۷ش، انجمن وضع لغات دانشسرای عالی به سرپرستی عیسی صدیق و اساسنامه و اقدامات آن و پاره‌ای از واژه‌های وضع شده آن با اختصار یاد می‌کند.

قضاوت مخبرالسلطنه را نیز درباره فرهنگستان گنجانده که با توجه به درونمایه آن بهتر بود در ذیل مخالفان و منتقدان فرهنگستان بیاید، نه بلافاصله بعد از تأسیس آن.

گزارشی کلی نیز از روند تصویب واژه‌های پیشنهادی آمده که برای فرهنگستان‌های بعدی و درسگیری از آن، مفید تواند

بود.

نویسنده در ضمانت اجرایی مصوبات فرهنگستان، حقیقتاً به یکی از مهمترین دلایل موفقیت فرهنگستان اول - حمایت همه جانبه مقامات حکومتی - اشاره می‌کند، اما اعتراض‌ها بر آن را هم می‌آورد.

به هر حال، ذکر اسناد موثق و استفاده بجا از آن‌ها در روند تاریخ‌نویسی، از مؤلفه‌های مثبت و برجسته کتاب است؛ مثلاً برای موضوع ضمانت اجرایی مصوبات فرهنگستان چند سند اداری موثق در صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۷ آمده است.

در کتاب دوم نیز کلیات و قوانین و واژه‌های مصوب فرهنگستان ایران (تا پایان اسفند ۱۳۱۹ش) آورده شده که از نظر تاریخی و استفاده گویشوران از واژه‌ها، مرجعی بس مناسب است. علاوه بر آن، آیین‌نامه و کلیات و قوانین فرهنگستان نیز برای اعضا و رؤسای فرهنگستان در حال حاضر و آینده نیز حائز کمال اهمیت است.

منابع و مآخذ کتاب، مناسب و نوعی کتابشناسی جهت این موضوع برای محققان محسوب می‌شود.

در بخش اسناد نیز عکس برخی اسناد آورده شده که برای مخاطب بسیار جالب توجه است.

چاپ عکس رؤسا و برخی اعضای پیوسته فرهنگستان نیز برای خواننده و از نظر تاریخی جذاب است و بهتر بود عکس تمام اعضا اعم از پیوسته و وابسته آورده می‌شد و بایستی این نقیصه در چاپ‌های بعد برطرف گردد.

### منابع

آل‌احمد، جلال، ۱۳۸۶، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران، فردوس.

ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۶، تاریخ زبان فارسی، تهران، سمت.

ارتش نوین ایران، ج ۱، چاپخانه ارتش شاهنشاهی، [بی‌تا].

روستایی، محسن، ۱۳۷۸، «پیشینه‌ای از نخستین و فرهنگستان ایران و واژه‌های گمشده (۱۳۲۰-۱۳۱۴)»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

روستایی، محسن، ۱۳۸۵، تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گمشده فرهنگستان (۱۳۱۴-۱۳۲۰ش)، تهران، نشر نی.

یغمایی، اقبال، ۱۳۵۵، کارنامه رضاشاه، تهران.